

اتیکت

لباس‌هایی که توی کمد منتظر شما هستند

رنگ و رویش رفته و پرز داده است ولی هنوز سروشکل شیک و مرتبی دارد و توی زمستان یک پالتوی گرم و حسابی است. سال‌هاست می‌پوشی‌اش ولی حالا با چشم‌غره‌های دیگران می‌فهمی که انگار باید با آن خداحافظی کنی. بعضی از لباس‌ها شبیه معدن خاطره هستند، سال‌های زیادی همراه‌تان بوده است. شاید دیگر به اندازه اول‌شان مرتب و نو نباشند ولی هنوز دوست‌داشتنی هستند و اصلاً نمی‌شود آن‌ها را دور انداخت. همه ما کلی از این لباس‌ها توی کمدمان داریم، لباس‌هایی که کوچک یا پاره یا به لطف ماشین لباس‌شویی تبدیل به رنگین کمان شده‌اند اما هنوز قابل مصرف‌اند. با این لباس‌ها چه می‌شود کرد؟ کافی است کمی فسفر بسوزانید و لباس کوچک‌شده را با کمی تغییر و تروتمیز کردن، به کسی که فکر می‌کنید بیشتر دوستش دارد و از آن استفاده می‌کند بدهید. قبلیش حتما مطمئن شوید که لباس سالم است و مشکلی ندارد فقط دیگر سبایز شما نیست، یک پارگی کوچک روی لباس ممکن است خیلی هم بد نباشد؛ همین می‌تواند یک فرصت بشود برای محک زدن خلایق‌تان. با چه چیزی می‌شود پارگی را پوشاند؟ یک تکه پارچه خوش‌آب‌ورنگ؟ مهم این است که لباس‌ها را برای روز مبدا انبار نکنید. «حالا شاید یک روزی استفاده‌اش کردم» یا «این پاره است و دیگر کاریش نمی‌شود کرد» قضیه حل نمی‌شود. اگر می‌توانید با کمی شست‌وشو و خلایق‌ت آن را به کسی که نیازمند است بسپارید، خب چه از این بهتر؟ اگر هم می‌شود که کاربری‌اش را برای خودتان تغییر دهید و شلوار را به شلوار کُ و ماتورا مثلاً به کت تبدیل کنید که عالی است. نهنه‌ها اشکالی ندارد اگر جوراب پاره‌مان را بدوزیم و لباس پرز داده‌مان را به چیز دیگری تبدیل کنیم که خیلی هم درست است؛ به‌خصوص وقتی بدانیم برای تولید یک لباس چقدر به محیط‌زیست آسیب وارد می‌شود.

برونده‌های مجهول

نفرین پسرک گریان؛ افسانه یا سودجویی؟

داستان عجیب‌پسرکی که باعث آتش‌سوزی‌های مهیب می‌شد

فاطمه قاسمی | مترجم

داستان از سال ۱۹۸۵ و بعد از چاپ گزارشی در روزنامه «سان» با عنوان «نفرین پسر گریان» آغاز می‌شود. این گزارش، آتش‌سوزی غیرمنتظره خانه‌ای در انگلستان را شرح می‌دهد. بعد از خاموش شدن آتش، گروهی برای بررسی حادثه وارد دو با صحنه عجیبی رو به‌رو می‌شوند. تمام وسایل خانه در آتش خاکستر شد بود به‌جز یک تابلوی نقاشی آویزان از پسر گریان امدتی از این جریان نگذشته بود که آتش‌سوزی دیگری رخ داد. گفته می‌شد

پسرک گریان واقعی است؟

در یکی از شب‌های سال ۱۹۶۹، «برونو آمادیو» نقاش ایتالیایی نه چندان مشهور، از خانه خارج می‌شود تا در خیابان‌های خلوت اطراف قدمی بزند و ایده جدیدی برای کشیدن تابلو پیدا کند. برونو خیلی اتفاقی پسر بچه کوچکی گریانی‌رامی بیند که در گوشه‌ای از پیاده‌رو با لباس‌های کهنه بر تن ایستاده است. برونو او را به کارگاه نقاشی‌اش می‌برد و یک نقاشی با الهام از چهره غمگین پسرک می‌کشد. تابلو رو به‌تمام شدن بود که برونو متوجه آتش در خانه‌اش می‌شود. پسر بچه وحشت‌زده پا به فرار می‌گذارد. برونو تابلو را برمی‌دارد و به دنبال پسر از خانه خارج می‌شود اما هیچ اثری از او نمی‌بیند. از اهالی محل که همگی اطراف خانه جمع شده بودند، پرس و جوی کند و اطلاعاتی در باره پسرک به‌دست می‌آورد؛ نامش «دون بونیلو» است. پدر و مادر ثروتمندش در یک آتش‌سوزی کشته شده‌اند اما دون به‌طور معجزه‌آسایی از بین شعله‌های آتش سالم بیرون آمده است. بعد از این ماجرا هیچ‌کس به پسرک پناه نمی‌دهد چون شایعه شده بود او به هر جا پانگزارد آتش‌سوزی می‌شود. سال‌های گذر دو برونو، پسرک را فراموش می‌کند اما تابلوی پسرک گریان او با سرعت زیادی مشهور می‌شود تا جایی که حتی هزاران نسخه کپی شده آن در سراسر جهان به فروش

بالتازار

چرا مورچه‌ها هیچ وقت توی ترافیک گیر نمی‌کنند؟

توی صف‌های شلوغ بین لانه و غذای لذیذی که پیدا کرده‌اند، در رفت و آمدند. هرا گاهی می‌ایستند و بعد با عجله به راه‌شان ادامه می‌دهند. تا حالا دقت کرده‌اید چرا مورچه‌ها توی ترافیک نمی‌مانند؟ مورچه‌ها از معدود موجودات روی زمین هستند که در مسیرهایی حرکت می‌کنند که در ۱۷۰ بار فیل‌برداری، چگونگی حرکت گونه خاصی از مورچه‌ها در امتداد پلی بررسی کردند که بین آشیانه و آزمایش‌ها روی پلی‌های مختلف به عرض‌های شد که ۴۰۰ تا ۲۵ هزار مورچه را روی خود جای شدند مورچه‌ها در مقایسه با انسان‌ها می‌توانند گذشتن، پل را با دوبرابر ظرفیت پر کنند. وقتی انسان‌ها

کمیک

تغییراتی که آلودگی هوا در زندگی ما ایجاد می‌کند

● و خلاصه‌اش این‌که قدر هوای پاک روی‌دویم

● برای سلامتی همه با وسایل حمل‌ونقل عمومی رفت‌وآمد می‌کنیم

● اما فوتبال که میریم

● مدرسه نمی‌ریم

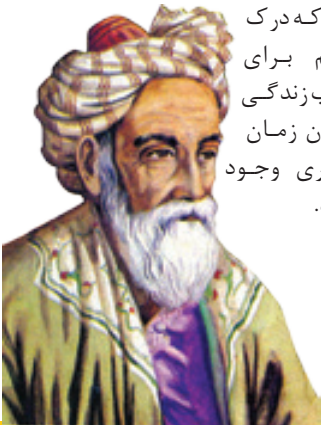


ساختمان نمادین جام‌جهانی ۲۰۲۲ در قطر که کارهای اداری جام‌جهانی در آن انجام می‌شود.

وی

شاعری که نامش روی ماه است!

و گردشگری کشور‌های اروپایی استفاده شده است. حتی در قاره آفریقا که به‌نظر می‌رسد کمتر با فارسی‌زبانان در ارتباط باشند، نام خیام می‌درخشد. مثلاً در تونس هتلی به نام خیام‌ودر شاخ آفریقا در اتیوپی و شهر آدیس‌آبابا رستورانی به اسم او وجود دارد. شاعر بزرگ ما، غیر از کارهای مهم و جاودانش به‌خاطر توصیه‌های اندیشمندان‌اش محبوب و معروف است؛ مثل این بیت «گریک نفست ز زندگانی گذرد/ مگذار که جز به شادمانی گذرد» که شاید بشود گفت فلسفه زندگی خود خیام بوده است. منظور خیام خوشی‌های سرسری و در لحظه نیست. او تأکید دارد که در کینیم برای خوب زندگی کردن زمان دیگری وجود ندارد.



سینکال

دکتر گوگل و دستیارانش را دقیق‌تر بشناسید

لپ‌تاپ به شماره کسی نیاز پیدا کنید خیلی راحت صفحه گوگل را باز می‌کنید، وارد بخش Contact می‌شوید و شماره و نام دوست و آشنا درست‌عین یک دفترچه منظم رو به‌روی‌تان باز می‌شود. در قسمت Photos می‌توانید عکس‌هایی را که روی گوگل ذخیره کرده‌اید، با مخاطب‌های‌تان به اشتراک بگذارید. Google Due ابزاری است که به کمکش می‌توانید با آن دسته از مخاطبان‌تان که در این بخش فعال هستند، تماس تصویری برقرار کنید. غیر از این مربع جادویی در صفحه گوگل، در خود نوار جست‌وجو دو علامت وجود دارد که آن‌ها هم خیلی وقت‌ها عصای دست‌مان می‌شوند. یکی دور بین‌ویکی علامت ضبط صدا؛ با این دوتا می‌توانید جست‌وجوی عکس یا صوت مد نظرتان را انجام بدهید. کافی است عکس را به Google ByImage بدهید و سبازهای مختلف همان عکس را ببینید یا حتی به عکس‌های مشابه آن دست پیدا کنید.

به همه سوالات شما پاسخ می‌دهد، فرقی نمی‌کند روش پخت قورمه‌سبزی را از او بخواهید یا چرا زنبورها وزوز می‌کنند. دکتر گوگل همیشه پیش‌ماست تا بدون ترس از مسخره شدن سوال‌های‌مان را با او مطرح کنیم. درست است که این بیشترین کاربردی است که گوگل برای‌مان دارد اما این بار که به سراغش می‌روید در همان صفحه کمی دقیق‌تر شوید تا ببینید از چه چیزهای دیگری غافل بودید. سمت راست نوار بالا در صفحه گوگل، یک مربع کوچک قرار دارد که از تعدادی نقطه تشکیل شده است؛ جایی که کلی ابزار به‌دردیخو برای کارهای مختلف منتظر شماست. غیر از امکان جست‌وجوی گوگل، بخش ترجمه (Translate) به تمام زبان‌های مهم دنیا را خواهید دید. اگر وقتی شماره مخاطب جدید را وارد گوشی‌تان می‌کنید، آن را روی گوگل هم ذخیره کنید هر بار که گوشی، همراه‌تان نباشد یا روی سیستم و

atlasobscura

روزگار

